

توان و انگیزه‌های دولت اصولگرا

جعفر گلابی

سال‌هاست که برخی ناظران و تحلیلگران بر این عقیده‌اند که حضور اصلاح‌طلبان در ساختار قدرت در جمهوری اسلامی نه تنها بی‌فایده است بلکه بعضاً همراه خسارات و ضررها و اتلاف منابع خواهد بود. آنها در تبیین نظر خویش اظهار می‌کنند که بسیاری از بایدهای اصلاح‌طلبانه چه در روابط بین‌الملل و چه در موضوعات مهم داخلی اجتناب‌ناپذیرند و در شرایط عادی خود اصولگرایان هم ناچار به پذیرش آن هستند و چنانچه مسوولیت اجرایی کشور به‌عهده ایشان باشد بدون تراحم‌های جاری حداقل برخی واقعیت‌ها را می‌پذیرند و منافع ملی از این زاویه بهتر تامین می‌شود. مثلاً این تحلیلگران معتقدند که اگر قرار است در زمینه پرونده هسته‌ای مصالحه‌ای با غرب صورت گیرد حاکمیت مایل است که این امر مهم توسط دولتی اصولگرا صورت گیرد لذا احتمال موفقیت برنامه‌های تشنج‌زدا بسیار بیشتر خواهد بود.

در دیگر زمینه‌ها هم این دسته از ناظران معتقدند که يك دولت اصولگرا با توجه به همراهی ارکان قدرت بهتر و بدون مانع‌تراشی‌ها و تخریب‌ها خواهد توانست اصلاحات ضروری را به نتیجه برساند و مردم را از آن منتفع کند. البته در این زمینه بحث و مجادله بسیار وجود دارد مثلاً اگر دولت آقای احمدی‌نژاد را يك دولت اصولگرا بدانیم، خواهیم دید که این فرضیه حتی در دوره اول تصدی او محقق نشد و در بسیاری از زمینه‌ها نه تنها شاهد برداشتن گام‌های سودمند در جهت منافع ملی نبودیم بلکه دچار پسرفت‌های بزرگ شدیم کما اینکه مثلاً در باب تشنج‌زدایی با کشورهای مختلف به ورطه خطرناکی وارد شدیم و 7 قطعنامه خطرناک از شورای امنیت سازمان ملل دریافت کردیم! در مورد مسائل داخلی هم آن دولت از پشتیبانی‌های حاکمیتی فقط در جهت رویکردهای مغشوش خود استفاده کرد و در برخی زمینه‌ها ازجمله برخورد با مطبوعات و منتقدان عملکردی بسته و به‌شدت تنگ‌نظرانه نشان داد. اما در حال حاضر هر چند برای قضاوت نهایی درخصوص امتیازات حکومت یک‌دست با توجه به تصدی کوتاه‌مدت دولت آقای ریسی زود است ولی نظر به جهت‌گیری‌های قوه مجریه در سیزدهمین دوره خود می‌توان به مقدماتی رسید و در این نوع تحلیل‌ها مناقشه جدی کرد. دولت آقای ریسی در زمینه برجام و ورود به مذاکرات ابتدا تاخیر فراوان داشت درحالی که مواضع کنونی را می‌توانست خیلی زودتر اتخاذ

کند و نیازی به این همه تاخیر وجود نداشت و چه بسا ثابت شود که تعلل مذکور در نهایت به ضررمان بوده است. اگر اطمینان کافی به دولت آقای روحانی نبود و مشکل مذاکره مستقیم با آمریکا از این ناحیه سرچشمه می‌گرفت دولت آقای ریسی که مورد وثوق است ولی می‌بینیم که بازهم مشکل عدم مذاکره مستقیم با آمریکا وجود دارد و خود دولت هم هیچ تمایلی به آن نشان نمی‌دهد. در زمینه مسائل داخلی هم به نظر می‌رسد که دولت سیزدهم بعضا خود مقوم روندهای موجود است و از ظرفیت حمایت حاکمیت برای اصلاح بخشی از امور ضروری استفاده نمی‌کند. برای نمونه می‌توان به برخورد با تجمعات اصفهان اشاره کرد که دولت امکان حضور پررنگ و نقش‌آفرینی موثر برای ادامه مواجهه سهله و سمحه را داشت و ابتدا توافقی هم صورت گرفت ولی در ادامه گویی دستگاه اجرایی به کناری رفت و پیگیر روش‌مدارای اولیه نشد. در زمینه‌های کلی‌تر هم هنوز امتیازات حاکمیت یکدست خود را نشان نداده است و دولت یا انگیزه و اعتقادی به اصلاح برخی رویکردها ندارد یا او هم توان دست زدن به اقدامات جسورانه را در خود نمی‌بیند. مثلا در بودجه پیشنهادی دولت برای سال 1401 نشانی از جراحی‌های ضروری که بسیاری از اقتصاددانان بر آن تاکید دارند، نمی‌بینیم و حمایت همه ارکان نظام باعث مواجهه جسورانه قوه مجریه با گردش مالی کشور نشد. مثلا اگرچه بودجه نهادهای غیرپاسخگو در برابر دولت و مجلس در کل زیاد نیست ولی می‌دانیم که در شرایط بغرنج اقتصادی حساسیت فراوانی نسبت به آن وجود دارد. دولت سیزدهم که در اصولگرا بودنش خلاف نیست این قدرت را داشت که حداقل روند حذف این اختصاص‌ها را آغاز و از هم‌اکنون زمینه را برای قطع کامل بودجه‌های دولتی به بسیاری از این نهادها آغاز کند. حداقل آنکه کسی نمی‌توانست دولت آقای ریسی را به غربگرا بودن و بی‌توجهی به نهادهای مذهبی متهم کند. نه تنها چنین ضرورتی که در درازمدت به نفع خود نهادهای مذهبی هم هست محقق نشد، بلکه بودجه‌های آنها افزایش قابل ملاحظه پیدا کرد! درواقع در مثال‌های بالا نشان داده می‌شود که مشکل اصلاحات ضروری در جامعه ما ناشی از تصدی دولت‌های غیراصولگرا و مانع‌تراشی‌ها در مقابل آنها نیست. مشکل اصلی این است که بخش بزرگ و تعیین‌کننده ساختار قدرت قائل به ضرورت انجام اصلاح بسیاری از روندها نیست و وقتی حاکمیت یکدست می‌شود احتمالا خود دولت هم به تثبیت روندهای مذکور می‌پردازد. به عبارت دیگر کشور چندان که انتظار می‌رود از امتیازات طبیعی حاکمیت یکدست هم سود نمی‌برد و این بسیار خطرناک است. امید است دولت آقای ریسی خلاف این تحلیل را ثابت کند.

□□□□□□ 1400 □□□ 27 □□□□□□ □□□□□□:□□□□